

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷، صفحات ۲۵-۵۲

مبانی نظری مشارکت اجتماع روستایی در برنامه‌ریزی گردشگری روستایی در ایران*

مهدی طالب، حسن بخشی‌زاده، حسین میرزایی**

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۵/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۱۱/۱۴

چکیده

در ایران، گردشگری بیشتر متأثر از گردشگری داخلی است که خود، به گردشگری روستایی وابسته است. به همین دلیل، به‌منظور ایفای نقش مثبت گردشگری در فرآیند توسعه روستایی، لازم است مدیریت محیط زیست، مشارکت مردم محلی، قوانین صریح و محکم، بازاریابی و برنامه‌ریزی واقع‌بینانه و سیستمی در زمینه گردشگری روستایی مورد توجه قرار گیرد. مقاله حاضر، نخست با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای، به بررسی ادبیات مفهومی و مبانی نظری این حوزه پرداخته و سپس، با توجه به ویژگی‌های اجتماعات روستایی - گردشگری، مدلی نظری متناسب با برنامه‌ریزی گردشگری روستایی در ایران ارائه کرده است.

کلیدواژه‌ها: گردشگری روستایی / مشارکت روستایی / برنامه‌ریزی روستایی / ایران.

* این مقاله برگرفته از رساله دوره کارشناسی ارشد آقای حسن بخشی‌زاده است که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به انجام رسیده است.

* به‌ترتیب، استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران؛ کارشناس ارشد مدیریت توسعه - توسعه روستایی از دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (hassan.shahroz@gmail.com)؛ و استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

مقدمه

اینک روشن شده است که باید توسعه و اداره گردشگری به شیوه‌ای منسجم، کنترل‌شده و پایدار و بر مبنای برنامه‌ریزی مؤثر صورت گیرد تا از این رهگذر، بدون ایجاد مشکلات جدی اجتماعی و زیست‌محیطی برای ناحیه مورد نظر، منافع چشمگیر اقتصادی را در پی داشته باشد و منابع گردشگری برای استفاده در آینده نیز حفظ شود. نمونه‌هایی متعدد از برنامه‌ریزی و اداره نامناسب گردشگری در کشور و به‌ویژه در روستاها به چشم می‌خورد که در کوتاه‌مدت، چه‌بسا همین اقدامات توسعه‌ای کنترل‌نشده با منافع اقتصادی نیز همراه بوده اما در بلندمدت، به مشکلات زیست‌محیطی و اجتماعی و ایجاد اماکن گردشگری با کیفیت پایین انجامیده‌اند که برای ساکنان محلی زیانبار بوده است و بازارهای گردشگری را به سود محل‌هایی که بهتر برنامه‌ریزی شده، از دست داده‌اند.

ارزیابی‌های متعدد از برنامه‌های توسعه و عمران روستایی در ایران نشان می‌دهد که این برنامه‌ها ناخواسته در راستای توسعه شهری و نادیده گرفتن مشارکت روستاییان در برنامه‌ریزی و توسعه روستایی حرکت کرده‌اند. با این‌همه، مردم روستایی این توانایی را دارند که بهتر از دیگران به برنامه‌ریزی برای خود بپردازند و راه توسعه خود را با دست خودشان مشخص کنند. در این راستا، گردشگری روستایی این ظرفیت را در اختیار برخی از روستاهای دارای منابع گردشگری قرار می‌دهد که با استفاده از فرصت پدید آمده، خودشان برای آینده گردشگری روستایی و توسعه روستای خود مشارکت و برنامه‌ریزی کنند. در راستای رویکرد جامع و راهبردی توسعه همه‌جانبه و پایدار روستایی کشور، توسعه گردشگری روستایی از رهکارهای مهم به‌شمار می‌رود. البته در کنار هر دلیلی برای ترویج گردشگری به‌مثابه یک ابزار توسعه روستایی، دلیلی معکوس نیز بر ضد آن وجود دارد. با این‌همه، گرچه گردشگری منادی ایجاد شغل است، اما همواره به‌لحاظ ایجاد شغل‌های فصلی و پاره‌وقت و درآمدهای پایین نیز مورد انتقاد قرار گرفته است.

این مقاله در پی آن است که با توجه به تجارب کشورهای مختلف، مدلی راهگشا برای مشارکت مردم در برنامه‌ریزی‌های توسعه گردشگری روستایی ارائه دهد و از این رهگذر، به نقش‌آفرینی روستاییان در برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری کمک کند. این روش در روستای وکیل‌آباد شهرستان اردبیل به کار رفته و نتایج آن نشان داده است که خود روستاییان از طرح‌ها و برنامه‌هایی برای توسعه و برنامه‌ریزی گردشگری روستایی برخوردارند و لازم است با بهره‌گیری از فرصت مشارکت روستاییان، طرح‌ها و برنامه‌های آنها در تدوین برنامه‌های برنامه‌ریزان و مسئولان مد نظر قرار گیرد.

گردشگری و توسعه روستایی

امروزه رشد جمعیت در مناطق روستایی، بدون سرمایه‌گذاری نظام‌مند در راستای تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و متنوع‌سازی آنها، به گسترش بیش از حد فعالیت‌های تولیدی و متکی بر منابع طبیعی انجامیده و این گسترش ناپایدار نیز به‌گونه‌ای محسوس به تخریب فزاینده منابع طبیعی موجود منجر شده است. گذشته از این پیامد منفی، با نرخ پایین بهره‌وری نیروی کار در نتیجه ماشینی شدن نامناسب، نرخ بالای بیکاری (پنهان و آشکار) در بخش تولیدات روستایی، و گسترش فناوری سرمایه‌بر، ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار در تولید درآمد از طریق گسترش کارکردهای متکی بر منابع طبیعی در پاسخ به خیل عظیم بیکاران روستایی که بی‌بهره از سرمایه و مهارت لازم، ناگزیر با مهاجرت به کلان‌شهرها حاشیه‌نشینی را گسترش می‌دهند، تا حدی غیرممکن شده است (حیدری چپانه، ۱۳۸۳).

در جهان پرتلاطم کنونی، روستاها به کانون تردد انسان‌هایی بدل شده‌اند که برای فرار از زندگی پرهیاهوی شهری و زندگی ماشینی، به روستاها سفر می‌کنند. امروزه، با توجه به دامنه تقاضا و نیازهای محیط روستایی، گردشگری روستایی رو به توسعه گذاشته است و روز به روز بر اهمیت و جاذبه خاص آن افزوده می‌شود. در فرآیند برنامه‌ریزی منطقه‌ای، می‌توان گردشگری روستایی را ابزاری برای افزایش اشتغال محلی

و بهبود کیفیت زندگی و در نتیجه، افزایش سطح رفاه اقتصادی و امکانات اجتماعی منطقه‌ای به حساب آورد (منشی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۶۶).

باید برنامه‌ریزی گردشگری در سطح ملی و منطقه‌ای صورت گیرد تا از این رهگذر، سیاست‌های توسعه گردشگری، طرح‌های مربوط به ساختار، معیارها و استانداردهای ملی، امکانات، عوامل نهادی، و دیگر عناصر ضروری برای توسعه و مدیریت گردشگری مدنظر قرار گیرد. از این‌رو، در چارچوب برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای، تهیه برنامه‌های تفصیلی‌تر برای جاذبه‌های گردشگری، گردشگاه‌ها، شهرها و روستاها، و سایر اقسام گسترش گردشگری میسر است (سازمان جهانی گردشگری، ۱۳۷۹: ۱۴).

براساس اطلاعات منتشرشده توسط سازمان جهانی گردشگری ملل متحد^(۱)، تا پایان سال ۲۰۰۶، گردشگری رشدی معادل ۷/۲ درصد داشته و حتی در هشت ماهه اول سال ۲۰۰۶ نیز با وجود ترس از درگیری‌ها و تروریسم، رشد گردشگری در سطح جهان معادل ۴/۵ درصد بوده است (خبرگزاری میراث فرهنگی، ۱۳۸۵).

کارشناسان صنعت گردشگری بر این باورند که از نظر ظرفیت‌های برنامه‌ریزی صنعت گردشگری، ایران جزو ده کشور اول جهان به‌شمار می‌رود، در حالی که سهم ایران از درآمد بازارهای بین‌المللی صنعت گردشگری بسیار اندک است. با اندکی تعمق، می‌توان بدین حقیقت پی برد که صنعت گردشگری در ایران، چنان‌که باید و شاید، در تولید درآمد و بهبود شرایط اقتصاد ملی و ناحیه‌ای موفق نبوده است (حیدری چپانه، ۱۳۸۳).

اصطلاح «گردشگری روستایی» در کشورهای مختلف دارای معانی متفاوتی است. برای مثال، در فنلاند، معمولاً به معنی اجاره دادن خانه‌های روستایی به گردشگران و تدارک مواد غذایی در روستاکنارهاست؛ در مجارستان، اصطلاحی ویژه برای روستاهای توریستی وجود دارد که فقط به فعالیت‌ها و خدمات تدارک‌دیده شده در روستاها اشاره دارد و در واقع، حاکی از نوعی گردشگری ارزان در آنجا و درگیر شدن در کشاورزی یا فعالیت‌های محلی دیگری است که چندان برای گردشگر معمول نیست. در اسلوانی،

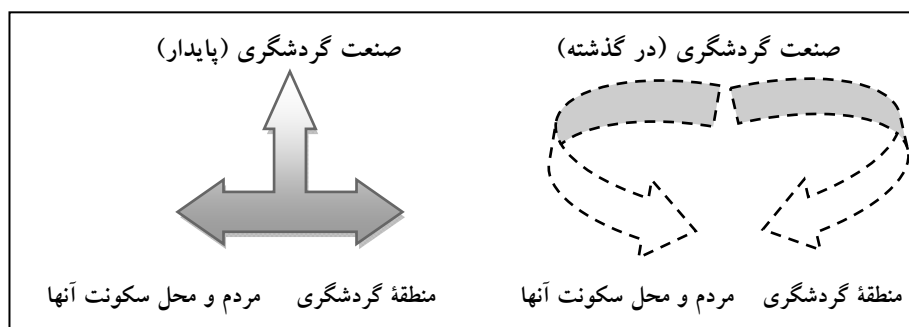
بخش مهمی از گردشگری روستایی را گردشگری با خانواده مزرعه‌داران تشکیل می‌دهد که در آن، گردشگران در کنار خانواده کشاورزان یا در اتاقی مجزا اقامت می‌کنند؛ علاوه بر این، دیدار از مزارع و گردش و صرف غذا در درون مزارع نیز معروف است. در هلند، گردشگری روستایی به معنی چادر زدن در مزرعه است و در مسیر مجاور مزارع، با فعالیت‌هایی نظیر قایق‌سواری، پیاده‌روی، یا اسب‌سواری پیوند یافته است. در یونان، شرط اصلی گردشگری روستایی عبارت است از تدارک صبحانه و رختخواب با اتاق‌های دارای لوازم زندگی متعارف و پذیرایی با صبحانه‌های متداول که اغلب از محصولات خانگی تهیه می‌شوند (به نقل از: Yu, 2004: 45).

گردشگری زراعی و اکوتوریسم نیز زیرمجموعه‌های گردشگری روستایی محسوب می‌شوند. رندل^(۲) و بازبی^(۳) گردشگری زراعی را زیرمجموعه گردشگری روستایی تعریف می‌کنند و بر این باورند که گردشگری روستایی مبتنی بر محیط روستاست، در حالی که گردشگری زراعی بر پایه مزرعه و کشاورزی استوار است و میان این دو ارتباطی سست و ضعیف وجود دارد. بنا به توصیف آنها، گذار از گردشگری زراعی عبارت است از گردشگری مزرعه به مزرعه؛ و در مورد کشاورزان دارای این منبع درآمد ثانویه در کنار کشاورزی، این‌گونه بوده است که به آسانی خود را از فعالیت‌های کشاورزی جدا کرده‌اند. به گفته آنها، با این گذار، فعالیت‌های کشاورزی دیگر ترکیبی ضروری، طولانی و پیوسته نخواهد بود. به نظر می‌رسد که بسیاری از بررسی‌ها نقش مزرعه و کشاورز مبنی بر زمینه‌سازی گردشگری زراعی را تأیید می‌کنند (به نقل از: Fleischer and Tchetchik, 2005).

به استناد یکی از مقالات مستدل طبیعت‌گردی، این واژه در اوایل ۱۹۸۰ توسط سبالوس لاسکورین^(۴) ابداع شده است. او در تعریف واژه طبیعت‌گردی چنین می‌گوید: طبیعت‌گردی سفری است به مناطق طبیعی نسبتاً بکر و دست‌نخورده با هدف مطالعه، تحسین و لذت بردن از مناظر، جانوران، گیاهان وحشی منطقه و هر گونه آثار فرهنگی (گذشته و معاصر) که در این مناطق یافت می‌شود (فیل، ۱۳۸۵: ۵۶).

گر چه اکوتوریسم یک راهبرد توسعه اقتصادی قابل دوام را برای مناطق روستایی و منابع طبیعی ارائه می‌دهد، همچنان بردباری و شکیبایی جوامع روستایی در این راه ضرورت دارد؛ چرا که اکوتوریسم علاوه بر نیاز به مدیریت قوی و دقیق، چه‌بسا گاهی نیز مردم را به رقابت برخلاف منابع طبیعی وامی‌دارد. از این‌رو، نیازی جدی و ضروری به پیگیری توسعه پایدار در فعالیت‌های اکوتوریستی وجود دارد تا مباحث مربوط به اجتماعات محلی، گردشگران و محیط زیست از طریق یک رویکرد مشارکتی بین توسعه و محیط مشروط به حفظ منافع هر دو مطرح شوند.

بنابراین، گردشگری روستایی واقعاً به یک ناحیه عمده «جدید» برای تقاضای گردشگری تبدیل شده و از سوی همه سیاستمداران مورد موافقت جدی قرار گرفته است که در این زمینه، پیگیری‌هایی نیز صورت می‌گیرد. از حدود بیست سال پیش، مفهوم گردشگری پایدار در نتیجه افزایش بحث‌های مقابله با نبود مدیریت گردشگری مطرح شده است. به نظر می‌رسد که گردشگری پایدار در مناطق توریستی نتیجه رابطه‌ای سه‌گانه میان مناطق گردشگری، مردم و محل سکونت آنها، مسافرت‌ها و صنعت گردشگری باشد. در گذشته، صنعت گردشگری بر این رابطه مثلثی غلبه داشت (شکل ۱) (Lane, 1994).



شکل ۱- گردشگری در گذشته و گردشگری پایدار

منبع: Lane, 1994

اهداف گردشگری پایدار برای تطبیق و تعادل بحران‌های این سه بخش مثلث ایجاد شده است و چنین تعادلی را در مدت زمان طولانی حفظ می‌کند. در واقع، گردشگری پایدار به سمت کاهش خطرات فرهنگی و محیطی، رضایت گردشگران و افزایش رشد اقتصادی برای مدت زمان طولانی و حفظ تعادل بین ظرفیت رشد گردشگری و ضرورت‌های زیست‌محیطی در منطقه گرایش دارد (Lane, 1994).

مفهوم پایدار در گردشگری روستایی با پیگیری اهدافی چندگانه امکان تحقق خواهد داشت و نباید تنها بر پایهٔ محافظت از منابع طبیعی استوار باشد. اهداف مورد نظر باید مطابق این موارد باشد: تقویت فرهنگ و خصوصیات جوامع میزبان؛ تقویت چشم‌اندازها و سکونتگاه‌ها؛ تقویت اقتصاد روستا؛ تقویت صنعت گردشگری که برای مدت زمان طولانی دوام داشته باشد؛ افزایش آگاهی‌ها و اطلاعات در رابطه با بازار گردشگری که در صورت عدم تداوم درازمدت آن، بر اثر گوناگونی فعالیت‌های اقتصادی در روستا، خطراتی را در پی دارد؛ و ایجاد برنامه‌های گردشگری پایدار که بر اساس یک محدودهٔ گسترده از تحلیل‌های منطقه‌ای و بیشتر تاریخی استوار باشد (Heneghan, 2002).

مفاهیم اولیهٔ گردشگری پایدار اولین بار توسط جانک کریپندورف^(۵) و دیگران در ۱۹۸۰ بیان شد و از آن پس، در جاهای زیادی تمرین و آزمایش شده است که نشانه‌های آن شامل موارد زیر است: تحلیلی از نیازهای اجتماعی، اقتصادی، بوم‌شناختی و فرهنگی منطقه؛ تحلیلی از ظرفیت‌های گردشگری و محدودیت‌های توسعهٔ آن در آینده؛ استفاده از گردشگری به‌مثابه ابزاری برای اصلاحات اجتماعی، اقتصادی، بوم‌شناختی و فرهنگی منطقه؛ ارزیابی قوی از مشارکت محلی در فرآیندهای تهیهٔ برنامه و تصمیم‌گیری برای تداوم آن؛ مد نظر گرفتن ظرفیت‌های گردشگری و نوع و مقیاس توسعهٔ آن؛ استقرار فرصت‌ها و راهبردهای بازاری بر حسب راهبردهای گردشگری پایدار؛ برنامه‌های آموزشی برای بازار و مشاغل؛ بیمه و تأکید بر ضرورت حمایت از کشاورزان؛ و راهبردهای طولانی (پنج تا ده‌ساله برای سازگار شدن)، البته برای داشتن

کارآیی، باید فهرستی از اولویت‌ها و برنامه کاری یک‌ساله حداقل در طول سه سال داشته باشیم (Heneghan, 2002).

امروزه گردشگری روستایی از مردمی‌ترین اشکال گردشگری محسوب می‌شود (پاپلی یزدی و سقایی، ۱۳۸۵: ۲۰۱). جاذبه‌ها، امکانات و قابلیت‌های توسعه گردشگری در نواحی روستایی کشور ما بسیار متنوع و گسترده است؛ با این همه، تاکنون این جاذبه‌ها چندان شناخته و معرفی نشده و بهره‌برداری‌های لازم از آنها به عمل نیامده است. در کل کشور، تاکنون بیش از ۳۵۶ روستای هدف گردشگری تعیین شده و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مسئول تدوین و تهیه اطلاعات و آگاهی‌های لازم از ویژگی‌های این روستاها شده است.

آ. سه‌سا^(۶) نشان داده است که ورود گردشگران شهری به جامعه روستایی بروز سلسله کشمکش‌هایی میان دو شیوه زندگی و نبود امکان ادغام یکی در دیگری را موجب شده است (لانکوار، ۱۳۸۱: ۹۱). نتکوون^(۷) نیز روشن کرده است که گردشگری در یک جامعه گروه‌های انسانی متفاوت را به بازشناسی و مقایسه وامی‌دارد. بنابراین، طبقات بالاتر مردم می‌توانند در زندگی گردشگران مشارکت داشته باشند اما به دلایل سیاسی-اجتماعی به ویژه در جوامع کشاورزی، ترجیح می‌دهند در محیط بسته خود زندگی کنند. در این جوامع، هنوز مخالفتی همه‌جانبه و سازش‌ناپذیر یا مخالفتی سرد و خشک اما با تفاوت‌های جزئی وجود خواهد داشت؛ زیرا برای دوستی با فیلبان، باید خانه‌ای در خور فیل بنا کرد. بونیکور^(۸) می‌گوید: «با اینکه این کار اشتباه است، گردشگری به خودی خود اشاعه فحشا و خودفروشی، اعتیاد به مشروبات الکلی، و قاچاق را سبب نمی‌شود اما بدون شک بر این مسائل اثر می‌گذارد و آنها را گسترش می‌دهد (لانکوار، ۱۳۸۱: ۹۱).

در زمینه ارتباط بین گردشگری و توسعه روستایی سه دیدگاه مطرح است. دیدگاه اول گردشگری را به مثابه راهبردی برای توسعه روستایی به کار می‌گیرد. در دیدگاه دوم، گردشگری به مثابه سیاستی برای بازساخت سکونت‌های روستایی مورد توجه قرار

می‌گیرد. در دیدگاه سوم، گردشگری روستایی به‌مثابه ابزاری برای توسعه پایدار و حفاظت از منابع طبیعی مطرح است؛ این دیدگاه خواهان رشد بلندمدت گردشگری بدون اثرات مخرب بر زیست‌بوم‌های طبیعی است (رضوانی و صفایی، ۱۳۸۴). برخی عوامل کاهش تأثیرات گردشگری روستایی به‌مثابه ابزاری برای توسعه روستایی عبارت‌اند از: تعداد محدود سرمایه‌گذاران در مناطق روستایی؛ بعضی سرمایه‌گذاری‌های حفاظت از منابع طبیعی؛ کوچک بودن مقیاس و گوناگونی منابع طبیعی در مناطق روستایی‌ای که تعداد سرمایه‌گذاران انگشت‌شمار است؛ ناقص بودن بازار و تهیه کردن محصول؛ فقدان سیاستی برای مدیریت توسعه و بازار گردشگری روستایی (Heneghan, 2002).

نظریه‌ها و مدل‌های برنامه‌ریزی گردشگری

برنامه‌ریزی گردشگری و گردشگری روستایی

از اصطلاح «برنامه‌ریزی گردشگری»، اگرچه در بیشتر نوشته‌ها دیده می‌شود، تعریفی مشخص ارائه نشده و به دلیل وجود محدودیت‌های برنامه‌ریزی گردشگری، تعریف آن با استفاده از روش‌های متعدد صورت گرفته است. بعضی از این تعاریف جهت‌گیری اقتصادی دارند و بر اساس آنها، برنامه‌ریزی گردشگری دارای جهت‌گیری بازاری و سوگیری به سمت بهره‌برداری از منافع گردشگری و توسعه آن است، مانند تعریف لیکوریش^(۹) و جنکینز^(۱۰)؛ بعضی بر قلمرو فضایی در برنامه‌ریزی گردشگری تأکید دارند، مانند ایوانز^(۱۱) که بر اساس آن، برنامه‌ریزی گردشگری عبارت است از فرآیندی که موضوعات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی را در یک زمینه فضایی از موضوعات توسعه و محافظت و استفاده از زمین در نظر می‌گیرد. در پاره‌ای از موارد، برنامه‌ریزی گردشگری با دیدگاهی ترکیبی تعریف شده است: واهب^(۱۲) و پیگرام^(۱۳) آن را به‌مثابه فرآیندی تعریف کرده‌اند که به توسعه همخوانی در نیازهای گردشگران و پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعات محلی (اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی، و محیط زیست

سالم) می‌انجامد. تیموئی^(۱۴) برنامه‌ریزی گردشگری را از دیدگاه گروه‌های میزبان تعریف کرده و بدان به‌مثابه روشی برای دستیابی به بیشترین منافع گردشگری در یک منطقه و کاهش مشکلات ناشی از توسعه گردشگری نگریسته است. به‌عقیده وال^(۱۵)، برنامه‌ریزی فرآیندی سیاسی است که بعضی را قدرتمند و دیگران را محروم می‌کند و در برخی موارد، تحقق حداکثر منافع و حداقل هزینه امکان‌پذیر نیست. وانگ (Wang, 2006)، در بررسی خود، ترکیبی از تعاریف مورفی^(۱۶) و گتز^(۱۷) را به‌کار برده است که بر اساس آن، برنامه‌ریزی گردشگری با پیش‌بینی و تنظیم تغییرات سیستم گردشگری و با گردشگری یکپارچه در مقیاس گسترده مرتبط است (به‌نقل از: Wang, 2006: 22).

خاستگاه برنامه‌ریزی گردشگری آشکارا با تاریخ برنامه‌ریزی و گردشگری مرتبط است. در غرب، برنامه‌ریزی نوین از قرن نوزدهم شروع شد و طی جنگ جهانی دوم، به‌صورت یک حرفه شکل گرفت؛ و سرانجام، مدل برنامه‌ریزی منسجم عقلایی^(۱۸) به‌صورت پایه در برنامه‌ریزی غالب شد. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، مسائلی مانند نظافت محله‌های پرجمعیت و کثیف شهر، ولگردی در شهر، و کمبود مسکن تقاضای مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی را برانگیخت. پیدایش «مبدأ مشارکت»^(۱۹) یا «بازگشت به محل»^(۲۰) به‌مثابه شکل غایی مشارکت عمومی از مؤلفه‌های بسیار مهم در فرآیند برنامه‌ریزی غرب محسوب می‌شود. دوره‌های تکامل برنامه‌ریزی عبارت‌اند از: برنامه‌ریزی رشد مناسب^(۲۱)، برنامه‌ریزی حمایتی^(۲۲)، برنامه‌ریزی اجرایی^(۲۳)، برنامه‌ریزی ترکیبی^(۲۴)، برنامه‌ریزی راهبردی^(۲۵)، و برنامه‌ریزی اشتراکی^(۲۶) (به‌نقل از: Wang, 2006: 23).

برنز^(۲۷) و کاستا^(۲۸)، برای تحول برنامه‌ریزی گردشگری، مسیری مشابه را پیشنهاد می‌کنند. در دهه ۱۹۶۰، افزایش درآمد و پیشرفت‌های فنی (یعنی هواپیما) باعث تشویق گردشگری توده‌ای شد. برنامه‌ریزی جامع یا برنامه‌ریزی گردشگری منسجم عقلایی بدون یک تجزیه و تحلیل انتقادی از بخش گردشگری در اواخر این دوره پدیدار شد.

در دهه ۱۹۷۰، با رشد مکرر گردشگری توده‌ای، برنامه‌ریزی جامع در غرب به اوج خود رسید؛ هرچند، هنوز هم سیاستی با رویکرد توسعه نیازهای مقاصد گردشگری تلقی نمی‌شد (به نقل از: Wang, 2006). طرح‌های جامع بسیاری از مقاصد گردشگری طی همین دوره تنظیم شده‌اند. پس از یک دهه، در دهه ۱۹۸۰، در نقطه مقابل برنامه‌ریزی شهری، شق دیگری از رویکردهای برنامه‌ریزی گردشگری شکل گرفت که نتیجه افزایش آگاهی‌ها از اثرات منفی اجتماعی - فرهنگی گردشگری در مقاصد مورد نظر و افزایش تقاضا برای «چهار اس» (دریا، ماسه، خورشید، سکس)^(۲۹) در میان گردشگران به‌شمار می‌آمد (به نقل از: Wang, 2006: 23).

همان‌گونه که هی‌وود^(۳۰) و وال اشاره می‌کند، برنامه‌ریزی گردشگری منسجم در کشورهای کمتر توسعه یافته متداول است. طرح توسعه گردشگری ملی فیجی در ۱۹۷۳ نمونه‌ای از آن به‌شمار می‌رود. یک گروه برنامه‌ریزی (شامل کارشناسان بانک جهانی و سازمان ملل)، با بررسی محیط کالبدی فیجی، جنبه‌های کالبدی متعددی از لحاظ توسعه گردشگری ساحلی را پیشنهاد کردند؛ و اگرچه با بخش‌هایی از دولت رایزنی‌هایی دقیق صورت گرفت اما شاید تا حدودی به‌خاطر آنکه نوعی طرح راهبری در سطح ملی بود، با مشارکت عمومی همراه نشد. همچنین، گان^(۳۱) به یک مورد متفاوت از برنامه‌ریزی منسجم در آلبرتای کانادا اشاره می‌کند که طی آن، در فرآیندهای برنامه‌ریزی در ۱۹۸۴، مداخله چشمگیر بخش خصوصی در آنجا دنبال می‌شد و سرانجام، به ایجاد تفاهم گسترده و موفق بین بخش‌های خصوصی و دولتی انجامید (به نقل از: Wang, 2006: 26).

فرآیندهای برنامه‌ریزی شامل مجموعه‌ای از مباحث مشترک است که بسیاری از روابط گروه‌های ذی‌نفع را در بر می‌گیرد و با فنون مشارکتی گوناگون به پیش می‌رود. ایجاد یک مشارکت عمومی راهنمای دستیابی ما به تعادلی در توسعه خواهد بود. در اینجا، به نمونه‌هایی از برنامه‌ریزی گردشگری مختلط، متناوب و پایدار اشاره می‌کنیم.

در آفریقای جنوبی، رویکرد برنامه‌ریزی مختلط به‌صورت ابزار و روشی برای بخش‌های مختلط، مناطق جغرافیایی و سازمان‌های خصوصی به‌منظور ترفیع توسعه پایدار در نظر گرفته شده است. کار برنامه‌ریزی با کمک و مشاوره اداره توسعه بین‌المللی انگلیس انجام شده بود. فرآیندهای برنامه‌ریزی در سه بعد (اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) تهیه شده و برای هدایت و ایجاد سیاست‌های آینده گردشگری تدوین شده‌اند. همان‌گونه که فلچر^(۳۲) و کوپر^(۳۳) در مورد برنامه‌ریزی راهبردی در مجارستان نشان داده‌اند، اهداف اصلی مشخص‌شده از سوی بازرسان گردشگری محلی در راستای کاهش فشار گردشگری بر بوداپست، در اثر افزایش توزیع منطقه‌ای گردشگری و پخش منافع اقتصادی آن، تنظیم شده است (به‌نقل از: Wang, 2006: 27).

عملکرد راهبردهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت به ایجاد رابطه‌ای مؤثر بین نظارت‌های گردشگری و سازمان‌های محلی انجامیده است؛ به‌ویژه سرمایه‌گذاران محلی خواهان سرمایه‌گذاری لازم هستند که با اعمال نظارت‌های محلی کار خود را آغاز کنند. اکنون رویکردهای برنامه‌ریزی گردشگری متناوب تغییر کرده و برنامه‌ریزی‌های گردشگری روستایی، اکوتوریسم و گردشگری کشاورزی را شامل شده است. یک مورد از برنامه‌ریزی گردشگری متناوب توسعه اکوتوریسم در مانسرت^(۳۴) است. پس از موافقت بخش‌های دولتی (گردشگری، کشاورزی، تجارت، و محیط زیست) با ارتقای اکوتوریسم، بررسی‌های تفصیلی شروع و طرح‌هایی توسط نمایندگان خارجی (سازمان ملل) همراه با سازمان‌های غیردولتی محلی تنظیم شد. نمونه دیگری از این‌گونه برنامه‌ریزی‌ها دولت کره است که متأثر از تجارب موفق ژاپن، در پی ارتقای گردشگری روستایی بوده است. بر اساس برنامه‌ریزی دولت کره، هدایت منافع اقتصادی و افزایش آگاهی‌های فرهنگی در میان مردم روستایی و شهری ضروری بوده و برخی پروژه‌های توسعه‌ای سازگار با محیط زیست در مقیاس کوچک در زمینه‌هایی

خاص همراه با گروه‌های محلی، برای این کار سازمان‌دهی شده است (به نقل از: Wang, 2006: 27).

معرفی و کاربرد توسعه پایدار به مثابه یک رویکرد برنامه‌ریزی گردشگری از سوی توسان^(۳۵) و جنکینز، هال^(۳۶) و بیدال^(۳۷) صورت گرفته است. در هر حال، از آنجا که این نویسندگان رویه یا ابزار برنامه‌ریزی برای استفاده از این رویکرد پیشنهاد نکرده‌اند و در این زمینه، ما نیز نمونه برنامه‌ریزی یا برنامه‌ریزی گردشگری پیدا نکرده‌ایم، همچنان این موضوع مبهم است (به نقل از Wang, 2006: 28).

توسعه پایدار، به مثابه مفهومی از برنامه‌ریزی گردشگری، به جای یک رویکرد اجرایی به کار می‌رود. در قالب مفاهیم و رویکردهای بالا، از مشارکت در تصمیم‌گیری و فرآیندهای برنامه‌ریزی بسیار جانب‌داری شده است. فرآیندهای برنامه‌ریزی «از بالا به پایین» برای مشارکت عمومی ناکافی است. در چنین شرایطی، در واقع، مشارکت معنای واقعی خود را از دست می‌دهد. از دیدگاه سیاسی، روستاییان اغلب از فرآیندهای برنامه‌ریزی محروم هستند؛ آنها در جاهایی دور از مناطق شهری بزرگ که در آنجا، تصمیم‌گیری می‌شود، زندگی می‌کنند و بیشتر وقت آنها صرف کارهای روزمره می‌شود. از این رو، پیشنهاد می‌شود که خود روستاییان زمینه‌های قلمرو اجتماعی خود را مطالعه کنند. چه بسا وجود شبکه‌های اجتماعی و خویشاوندی قوی یک عامل اصلی در زندگی روستاییان در این زمینه به شمار خواهد رفت.

مشارکت اجتماع روستایی در توسعه گردشگری

مشارکت یک مفهوم غنی است که عبارت است از: راه‌های متفاوت موجود برای مردم متفاوت در زمینه‌های متفاوت (به نقل از Wang, 2006: 28). گای^(۳۸) مشارکت را فرآیندی غیرمتمرکز می‌داند که امکان توزیع منابع، فرصت‌ها، آموزش، و قدرت تصمیم‌گیری در سطوح بزرگ و پایین را میسر می‌سازد تا مردم بتوانند نقشی بسیار مؤثر در توسعه ایفا کنند (به نقل از Wang, 2006: 28).

بر اساس بررسی‌ها و مطالعه منابع موجود در رابطه با موضوع مشارکت اجتماع روستایی در توسعه و برنامه‌ریزی گردشگری روستایی، می‌توانیم به سه نوع مشارکت اشاره کنیم: مشارکت مارپیچی^(۳۹)، مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری^(۴۰)، و سهمی شدن در منافع توسعه^(۴۱) یا سود جستن از فرصت‌های توسعه^(۴۲).

مشارکت مارپیچی

بر اساس نوشته‌های صاحب‌نظران، مشارکت مارپیچی فرضیه‌ای پیشنهادی برای برنامه‌ریزی گروه‌های محروم اجتماعی به منظور مشارکت در توسعه است که در اوایل، با سهمی شدن در منافع و به تدریج، با سهمی شدن در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی شروع می‌شود. این فرضیه حاکی از آن است که مردم برای مشارکت در فعالیت‌هایی که در منافع آن سهمی‌اند، از آمادگی و توانایی بیشتری برخوردارند و علاقه و ظرفیت آنها با مشارکت در تصمیم‌گیری افزایش می‌یابد.

فرضیه مارپیچی برای فرآیندهای برنامه‌ریزی ممکن است در مراحل گوناگون ارائه شود. در شروع، مردم اثرات منفی توسعه، مثلاً تأثیرپذیران^(۴۳)، را می‌بینند و بعد، به «بهره‌برداران یا ذی‌نفعان»^(۴۴) تبدیل می‌شوند. در چنین شرایطی، در اوایل، مردم به تدارک و جبران خسارت می‌پردازند و سرانجام، درگیر فعالیت‌هایی گوناگون می‌شوند که در منافع آنها سهمی‌اند. سپس، با آغاز مشارکت، ظرفیت‌های محلی تقویت و تحکیم می‌شود تا اینکه بهره‌برداران یا همان ذی‌نفعان افزایش یافته، به دریافت‌کنندگان خدمات^(۴۵) که از ابتکار عمل و کنترل بیشتری بر توسعه برخوردارند، تبدیل شوند. در واقع، از آنجا که آنها به میانجی‌گری در توسعه می‌پردازند، به «مالکان یا متصرفان»^(۴۶) تبدیل می‌شوند، نه بدین معنی که مالک همه چیز باشند بلکه به‌طور کلی، از توانایی برخی تصمیم‌گیری‌های معین درست و مؤثر در زندگی خود برخوردار می‌شوند (Wang, 2006: 44).

این فرضیه در زمینه توسعه گردشگری در چهار اجتماع روستایی با قومیت‌های گوناگون در استان هاینان چین آزمایش شده است. این تحقیق کاربردی در ۲۰۰۵ با استفاده از روش‌های بررسی کتابخانه‌ای، پژوهش مشارکتی، پیمایش، مصاحبه با افراد کلیدی، مصاحبه چهره به چهره، و مشاهده محل انجام شده است (Wang, 2006: 45).

در واقع، باید حمایت‌های اصولی از اولین برنامه‌ریزی با ترویج سهم شدن در منافع همراه باشد. با توجه به توزیع ظرفیت‌ها، باید سهم شدن در تصمیم‌گیری با اندیشه درست صورت گیرد. مدل مارپیچی فرضیه‌ای نظری با دستورالعملی معنی‌دار است. در هر حال، نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که مشارکت در اجتماعات روستایی با سهم شدن در منافع توسعه و در واقع، با ذی‌نفع شدن میسر است که بدین ترتیب، امکان موفقیت در روستاهای فقیر افزایش می‌یابد. این مفهوم به آسانی مورد قبول و درک تصمیم‌گیرندگان سنتی و خود اهالی روستا قرار می‌گیرد. همچنین، بر اساس این تحقیق، اگر پیشرفت‌های اخیر تداوم یابد و کمک‌های بیرونی بیشتر شود، ممکن است برخی اجتماعات به دریافت‌کنندگان خدمات تبدیل شوند. از سوی دیگر، اغلب روستاییان و تصمیم‌گیرندگان سنتی از مفهوم قدرت سهم شدن در تصمیم‌گیری آگاه نیستند. در مقیاس کوچک، چه‌بسا پاره‌ای از ابتکارات اولیه به فرآیندی از کانون و مرکز مشورت در موضوعات خاص تبدیل و از سوی تصمیم‌گیرندگان سنتی اجرا شود. توسعه بینشی بزرگ در زمان ماست. آن دسته از روش‌های توسعه‌ای که بدون درک و فهم شرایط محلی، بر اساس ایده‌های خارجی مطرح می‌شود، نامطلوب‌اند. هنگامی توسعه مطلوب است که مردم محلی در آن درگیر شده و بر پایه منابع و دانش خود در آن سهم باشند.

در اصطلاح اداری، پایین‌ترین سطح ساختار اداری در ایران روستاست. مشارکت، حتی در صورت برانگیخته شدن از سوی عوامل بیرونی، مستلزم پذیرش پیشاپیش و شرکت ارادی افراد است. شناخت ویژگی‌های اجتماعی افراد در جامعه روستایی زمینه‌ساز طرح پروژه‌هایی است که در راستای ایجاد تغییر و زمینه‌های لازم برای توسعه

محسوب می‌شود (طالب، ۱۳۷۶: ۳). در ایران، شمار برنامه‌ریزی‌های بهره‌مند از مشارکت بسیار اندک است، به‌ویژه در مواردی که جمعیت روستایی فقیر درگیر آن باشند. به‌منظور کاهش سلطه اقلیت بر منافع توسعه، باید در راستای ترفیع و ترویج عامه‌پسند مشارکت و نیز نظارت بر فرآیندهای برنامه‌ریزی - که در حال حاضر، مطلوبیت آن پدیدار شده است - بر آگاهی‌های عمومی افزود، که البته هم‌اکنون به‌گونه‌ای گسترده در سطح کشور مطرح شده است.

جنبش خود - مدیریتی^(۴۷) روستا برنامه‌ای از بالا به پایین محسوب می‌شود که با این عقیده شروع شده است که بسیاری از مشکلات روستایی در فقدان نظام دموکراتیک به‌ویژه در سطح روستاها ریشه دارد. این جنبش روستاییان را به مشارکت در تصمیم‌گیری در قلمرو روستا تشویق می‌کند و بر آن است که برای جمعیت روستایی فرصتی برای انتخاب رهبر محلی فراهم سازد تا در مدیریت روستا درگیر شده و در فرآیند تصمیم‌گیری روستا مشارکت کند پس از گذشت چهارده سال از جنبش خود-مدیریتی روستا در چین، این جنبش تنها در ده درصد از روستاها پایدار مانده است. از جمله دلایل متعدد این ناکامی، عدم حمایت ملموس از این جنبش، مانند حمایت سرمایه‌ای، و عدم ارائه خدمات ملموس گسترده از سوی قدرت مدیریت تمرکززدایی^(۴۸) بوده است. بیش از هشتاد درصد تداوم جنبش خود-مدیریتی نیز تنها در پنج استان ثروتمند چین رخ داده است (به‌نقل از Wang, 2006: 6).

انگیزش و محرک‌های فعالیت مردم با نیازهای آنها مرتبط است. اشخاصی از مردم باید راهنمایی و مدیریت این جنبش را بر عهده گیرند که ابتکارهای مشارکتی را به‌خوبی درک و حمایت کنند و از موقعیت مردم و القا و ایجاد اعتماد و اطمینان نزد مشارکت‌کنندگان شناخت داشته باشد.

تأکید اصلی طرح‌های گردشگری جامع در کشورهای کمتر توسعه‌یافته مانند چین بر برنامه‌ریزی کالبدی و بخش‌های رسمی است که در سطح بالای رضایت مجریان تنظیم شده و در راستای جذب گردشگران است. برنامه‌ریزی گردشگری متأثر از اصطلاح

«پایداری»^(۴۹) دچار تحول شده و بر استفاده و محافظت از منابع طبیعی تأکید می‌کند. منظور از سهم شدن در تصمیم‌گیری در سطوح بالا و پایین چندان روشن و قابل درک نیست. با این همه، در رویکردهای برنامه‌ریزی، اثرات اجتماعی منفی نادیده گرفتن آن بر گردشگری و موضوعات توزیعی، که قائل به وجود ظرفیتی محدود برای بهبود زندگی مردم عادی بود، پذیرفته شده است (Wang, 2006: 9).

مشارکت با سهم شدن در تصمیم‌گیری و فرآیندهای برنامه‌ریزی

مشارکت با سهم شدن در تصمیم‌گیری مفهومی است که از موقعیت غالب در جهان توسعه‌یافته ناشی شده است. همچنان که تاسم^(۵۰) می‌گوید، علت پدیدار شدن چنین مشارکتی نیازهای دولتمردان به پاسخ‌گویی در برابر اقدام‌های اجتماعی در دهه ۱۹۶۰ بود. مشارکت در تصمیم‌گیری اغلب به‌مثابه یکی از اهداف تغییرات اجتماعی و یا روشی منتهی به تغییر شناخته شده (به‌نقل از Wang, 2006: 29)؛ و معمولاً به‌مفهوم شراکت و نظارت در تصمیم‌گیری‌ها از سوی ذی‌نفعان تعریف شده است (برنامه‌ریزی مشارکتی یا اشتراکی)، یا عبارت است از توزیع مجدد قدرت برای توانمندسازی کسانی که تاکنون از نظارت در فرآیندهای سیاسی محروم بوده‌اند (برنامه‌ریزی حمایتی) (به‌نقل از: Wang, 2006: 29).

در هر حال، در اکثر این موارد، مشارکت با سهم شدن در تصمیم‌گیری فرآیند یا فعالیتی هدایتی یا مجاز برای تصمیم‌گیرندگان به‌شمار می‌رود که از این رهگذر، با قصد سهم شدن در تصمیم‌گیری، بتوانند به‌صورتی بسیار قانونمند در سلسله مراتب قدرت در پروژه یا موضوع توسعه‌ای معین دخالت داشته باشند.

منظور از مشارکت با سهم شدن در تصمیم‌گیری ارتقای انتظام جدید اجتماعی و حل آسیب‌های اجتماعی است. بسیاری بر این باورند که از طریق این مشارکت، اهدافی چون اصلاح مسائل اجتماعی و سیاسی، ارتقای ثبات دموکراسی، افزایش صلح و صفای اجتماعی و مشروعیت سیاسی، پذیرش و اعتماد عمومی، آگاهی‌های مجریان از نیازهای

محلی، بهبود کیفیت طرح‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، آگاهی و آموزش مشارکت‌کنندگان، توسعه رهبران محلی، توسعه حمایت‌ها از اجرا و راه‌اندازی، و ارتقای پیوستگی اجتماعی محقق می‌شوند. در زمینه گردشگری، مشارکت با سهام‌شدن در تصمیم‌گیری عبارت است از روشی برای ارتقای پایداری، تعادل توسعه اقتصادی و اجتماعی، برنامه‌ریزی همه‌جانبه مقاصد گردشگری، اطمینان از داشتن درکی از مکان، داشتن ارزیابی سریع مؤثر از موقعیت‌های پیچیده، توسعه ارزش‌های عمومی، ضمانت توزیع برابر منافع، و افزایش شناخت از ذی‌نفعان (به نقل از: Wang, 2006: 31).

در هر حاضر تشویق به مشارکت اجتماعی در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیریها بطور گسترده همانند یک فلسفه و روشی برای ترفیع توسعه مورد پذیرش قرار گرفته است، لیکن هنوز یک شکاف گسترده‌ای بین قدرت نطق و بیان با واقعیت در میدان باقی مانده است.

مشارکت با سهام‌شدن در منافع

مشارکت با سهام‌شدن در منافع بازتابی از توسعه مسیرهایی برای رسیدن اکثریت مردم به منافع واقعی خود، و گویای موضوعی اخلاقی است مبنی بر آنکه بیشتر مردم، به‌خاطر بی‌خبری مظلومانه خود از برنامه‌های توسعه‌ای، نباید به‌صورت نظام‌مند از توسعه محروم شوند (به نقل از: Wang, 2006: 37).

بنا به تعریف، مشارکت با سهام‌شدن در منافع فرآیند یا فعالیتی است در راستای ایجاد فرصت‌هایی برای مشارکت مردم در کسب اصولی ارزشمند مانند فعالیت‌های اقتصادی و نیز ایجاد فرصت‌های توسعه سرمایه انسانی مانند آموزش و پرورش، کسب مهارت، ایجاد آگاهی‌ها، و گسترش شبکه‌ها و ارتباطات اجتماعی؛ و به‌ویژه در میان فقرا، تحقق همکاری و کمک به توسعه از طریق افزایش تولید منابع، ایجاد تولیدات بیشتر مردم، پویایی آگاهی‌های محلی، و افزایش ظرفیت‌های توسعه‌ای در هر منطقه را امکان‌پذیر می‌سازد (به نقل از: Wang, 2006: 37).

مشارکت با سهمیم شدن در منافع زمینه‌ساز فرصت‌هایی خوب برای مردمی است که برخلاف گذشته، به‌جای دریافت یک بار حمایت، اکنون می‌توانند با حمایت دیگران مانند تدارک کمک‌های مالی، به خودشان کمک کنند.

در گردشگری، مشارکت با سهمیم شدن در منافع به پایداری فرهنگ محلی، دارایی‌های عمومی و مهارت‌های صنعتی کمک می‌کند. همچنین، مطالعات نشان می‌دهد که در نتیجه مشارکت با سهمیم شدن در منافع در گردشگری، فرصت‌هایی برای تشویق مردم به سرمایه‌گذاری در بهداشت، آموزش و سایر تسهیلات اجتماعی به‌وجود می‌آید و به بهبود مهارت‌های فنی، ارتباطات، و داد و ستد مردم می‌انجامد (به‌نقل از: Wang, 2006: 37).

باید مشارکت در فعالیت‌های سهمیم شدن در منافع نسبت به مشارکت در فعالیت‌های تصمیم‌گیری در میان روستاییان فقیر بسیار ملایم‌تر آغاز شود، به‌ویژه آنکه با اختیارات اقتصادی اندکی همراه است. البته چه‌بسا انگیزه روستاییان برای مشارکت با سهمیم شدن در منافع بسیار قوی باشد، که احتمالاً در اصول ارزشی و بهبود اجتماعی ریشه دارد (Wang, 2006: 38). فراخوان مشارکت در فعالیت‌های سهمیم شدن در منافع توسعه، با توجه با اندوخته منابع، تجارب و مهارت‌ها در این زمینه، به‌آسانی صورت می‌گیرد.

هدف از آغاز مشارکت با سهمیم شدن در منافع پیش از مشارکت در فعالیت‌های تصمیم‌گیری شکستن برخی سیاست‌های محلی و محدودیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مشارکت است که در نتیجه آن، فرصت‌هایی برای بسترسازی مشارکت در تصمیم‌گیری فراهم می‌شود. به‌همین منظور، در موارد اجرایی بلندمدت، چه‌بسا تقویت مشارکت در تصمیم‌گیری با موفقیتی بیش از مشارکت با سهمیم شدن در منافع همراه باشد. با توسعه مشارکت، افراد دستاوردهایی در زمینه کنترل بیشتر بر منابع اقتصادی، ایجاد اعتماد و کاهش وابستگی، افزایش روابط گروهی، و ارتقای بینش مردم و شایستگی‌های اخلاقی و فنی خواهند داشت (Wang, 2006: 38).

مدل نظری: برنامه‌ریزی تعاملی با رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی

در حقیقت، روستا مناسب‌ترین سطح برای شروع سازمان‌دهی کار توسعه است و مردم عادی این توانایی را دارند که برای چیزهای خاص مؤثر بر زندگی شخصی خود برنامه‌ریزی کنند. برای شروع، قصد داریم از این‌گونه استعدادهای مردم برای سازمان‌دهی فعالیت‌های جامعه به‌نفع خود جامعه استفاده کنیم. وقتی به برنامه‌ریزی محلی می‌اندیشیم، باید واقع‌بین باشیم. سعی ما بر این نیست که برنامه‌ای همه‌جانبه و پیچیده تهیه کنیم. برنامه‌ای در این سطح تنها یک الگوی راهنمای عملی برای حل مشکلات مردم، بهبود شرایط زندگی آنها و زمینه‌سازی برای توسعه‌ای مستمر است (دیاس و ویکرامانایاک، ۱۳۷۷: ۱۰۴).

به‌طور کلی، در بحث ارائه مدلی برای برنامه‌ریزی گردشگری در نواحی روستایی، بر آن بوده‌ایم که برنامه‌ریزی تعاملی را با رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی ترکیب کنیم؛ و به دیگر سخن، با استفاده از رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی، به برنامه‌ریزی تعاملی در نواحی روستایی می‌پردازیم. این مدل در روستای وکیل‌آباد شهرستان اردبیل و عشایر این منطقه برای برنامه‌ریزی گردشگری روستایی و عشایری به‌کار برده شده که نتایج تحقیق نشان‌دهنده وجود توانمندی‌های زیاد روستاییان در تعیین برنامه‌ها و راهبردهای توسعه‌ای به‌ویژه توسعه گردشگری بوده است. در واقع، اهالی ب-به‌واسطه توسعه گردشگری و اجرای این روش با مشارکت فعال خود، آن دسته از طرح‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای را تدارک دیده‌اند که لازم است در تهیه و اجرای برنامه‌ها مد نظر مسئولان قرار گیرد (بخشی‌زاده، ۱۳۸۷).

در اینجا، ضمن بحث در رابطه با عناصر مدل نظری، سعی شده است که در ضرورت لزوم، با ارائه منابع مرتبط با هر کدام، به غنی‌تر شدن مدل پرداخته شود. بدین خاطر، نخست، تعاریفی از رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی و برنامه‌ریزی تعاملی ارائه می‌دهیم و آنگاه به عناصر اصلی این مدل اشاره می‌کنیم. رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی مجموعه‌ای از رهیافت‌ها، روش‌ها و رفتارهای گوناگون را دربر می‌گیرد،

به گونه‌ای که از طریق آنها، مردم محلی توان بازگویی واقعیت‌های زندگی و شرایط خود را بهبود می‌بخشند؛ تا آنجا که بر اساس تحلیل‌های شخصی، خود بتوانند برنامه‌ریزی کنند، عملیات مورد نظر را به اجرا درآورند، و به ارزشیابی نتایج و حفظ دستاوردهای آن پردازند (ازکیا، ۱۳۸۵: ۱۲).

گرایش تعاملی در برنامه‌ریزی بر اصل مشارکت استوار است. از طریق مشارکت در برنامه‌ریزی تعاملی است که افراد در فرآیند برنامه‌ریزی درگیر می‌شوند و به سهم خود، در تعیین راهبردها و خط‌مشی‌ها و تنظیم برنامه‌های تفصیلی تأثیر می‌گذارند. اصل مشارکت در برنامه‌ریزی بر این نکته تأکید دارد که هیچ‌کس نمی‌تواند در حد کفایت برای دیگری برنامه‌ریزی کند. بنابراین، بهتر است خود فرد در برنامه‌ریزی دخالت داشته باشد. ساده‌ترین دلیل برای این‌گونه برنامه‌ریزی آن است که به نتایجی بهتر می‌انجامد؛ البته دلیل دیگر نیز آن است که به‌مثابه نوعی انگیزش برای شرکت‌کنندگان در فرآیند برنامه‌ریزی عمل می‌کند (به نقل از: رهنمود، ۱۳۸۵: ۱۶۰).

نگرش ساکنان از اثرات گردشگری و در نتیجه، حمایت آنها از توسعه این صنعت، پیوسته در حال تغییر بوده است. با وجود این تغییرات، هنوز نگرش مردم از گردشگری خیلی پیچیده است و با توجه به اهمیت فراوان آن در برنامه‌ریزی، لازم است که در نظر گرفته شود.

جعفری^(۵۱) اشاره می‌کند که در دهه ۱۹۶۰، نگرش ساکنان نسبت به گردشگری بر جنبه‌های مثبت و منافع آن استوار بوده است. سپس، در دهه ۱۹۷۰، به‌طور کلی، بر جنبه‌های منفی گردشگری تأکید می‌شد و همین نگرش منفی باعث کاهش حمایت از این صنعت شده بود. در حال حاضر، بر هر دو جنبه منافع مثبت و نتایج منفی گردشگری تأکید می‌شود (به نقل از: Neidig, 2006: 27).

با توجه به مشکلات مالی اخیر در بیشتر اجتماعات روستایی، اغلب رهبران و ساکنان روستایی به دنبال منابع اقتصادی جایگزینی می‌گردند که اقتصادهای اجتماعاتشان را بهبود بخشد و آن را باثبات‌تر و پیشرفته‌تر کند. البته باید مراقب بود که این منابع اقتصادی جایگزین هزینه‌ای برای محیط طبیعی در بر نداشته باشد یا باعث ایجاد اثرات

اجتماعی منفی نشود. رهبران عضوی از اجتماع روستایی‌اند که اغلب دارای نفوذ و نمایندهٔ بینش‌های ساکنان به‌شمار می‌روند. می‌توان گفت که حمایت این رهبران از گردشگری با حمایت آنها از توسعهٔ گردشگری رابطه‌ای مستقیم دارد.

بار^(۵۲) بر این ادعا صحه می‌گذارد که بدون علاقه، حمایت و درگیری رهبران محلی دارای قدرت و نفوذ در سیاست‌های محلی، ابتکارات و پروژه‌ها، موفقیت فعالیت‌های توسعهٔ گردشگری جای تردید دارد (Neidig, 2006: 35). لین (Lane, 1994) از یک شکل پایدار در مدیریت گردشگری حمایت می‌کند که چهار تأثیر عمده و سودمند را بر مناطق روستایی بگذارد: اول، نظام‌های مدیریت پایدار که با توجه به تعیین ظرفیت‌های حمل و نقل و تنظیم دسترسی به محل، گسترش گردشگری توده‌ای را محدود کنند؛ دوم، رویکرد پایدار که تضادهای بین تحمیل توسعهٔ روستایی و حفاظت از منابع طبیعی را کاهش دهد؛ سوم، گردشگری روستایی که از طریق مطرح کردن سرمایه‌گذاری جدید، اشتغال و سرمایه‌گذاری در روستاکنار، فرصتی را برای حمایت از اقتصادهای روستایی ارائه می‌دهد؛ و چهارم، گردشگری روستایی که از محل زندگی روستاییان در حکم یک نقطهٔ تبادل و مبادله حمایت می‌کند (Sonnino, 2003: 67).

از ابعاد دیگر، این مدل بر داد و ستدهای کوچک و خانواده‌محور و نیز بر مشارکت زنان مبتنی است، و بهره‌برداری‌های مبتنی بر مزرعه و در مقیاس کوچک، در موارد عدم نیاز به کارگران زیاد و نیز تمایل به بهره‌برداری‌های خانواده‌محور، مشارکت زنان به‌صورت نیروی کار را تشویق می‌کنند (Fleischer and Tchetchik, 2005).

مؤلفه‌های مدل برنامه‌ریزی تعاملی با رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی

به‌طور کلی، می‌توان مؤلفه‌های مدل برنامه‌ریزی تعاملی با رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی را در سه مرحله یادآور شد، اما چه‌بسا برخی از این عناصر در هر سه مرحلهٔ گردشگری روستایی نیز به‌کار روند، که در شکل ۲ بدان اشاره شده است.

مرحلهٔ اول: اجزای لازم برای شروع گردشگری روستایی (رهبران اجتماع روستایی؛ داد و ستد کوچک و خانواده‌محور؛ مشارکت زنان؛ ادراکات ساکنان از گردشگری؛

افزایش آگاهی‌های فرهنگی در میان مردم؛ استفاده از وجود خویشاوندی قوی بین روستاییان برای مشارکت؛ داشتن سرمایه مالی).

مرحله دوم: تثبیت گردشگری روستایی (سهیم شدن در منافع؛ سهیم شدن در تصمیم‌گیری؛ ایجاد اعتماد و اطمینان در میان مشارکت‌کنندگان؛ توسعه سرمایه انسانی «آموزش و پرورش، کسب مهارت، ایجاد آگاهی»؛ گسترش شبکه‌ها و ارتباطات اجتماعی؛ ایجاد گروه‌های کاری و محل کار اشتراکی و جمعی؛ حفاظت از منابع طبیعی).
 مرحله سوم: رکود گردشگری روستایی (مذاکره، سازمان‌دهی و آموزش عمومی).



شکل ۲- مدل برنامه‌ریزی تعاملی با رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری

جهان ما وارد دوران پس از صنعتی شدن و کشاورزی شده و ساختار تولید ساده مناطق روستایی آنها را به درون زمینه‌هایی ایده‌آل از راهبردهای توسعه‌ای ویژه و در مقیاس کوچک و انعطاف‌پذیر چرخانیده است. گردشگری دارای ظرفیت‌های سودمند بسیار برای مناطق روستایی است، و می‌توان آن را منبعی مهم برای ایجاد شغل در کشورهای غیرصنعتی و به‌ویژه کشورهای توسعه‌نیافته در زمینه‌های اقتصادی برشمرد. از آنجا که مشاغل در صنعت گردشگری اغلب به مهارت‌هایی پیشرفته‌تر نیاز ندارند، افراد بومی محل با مهارت کم می‌توانند کارهای خدماتی، آماده‌سازی غذا، مغازه‌های خرده‌فروشی، و کارهای مسافرتی را انجام دهند.

دو دلیل عمده برای بحث در باره گردشگری و توسعه پایدار در مناطق روستایی وجود دارد: دلیل نخست توجه زیادی است که به روستاکنار در بسیاری از کشورهای صنعتی می‌شود؛ در این‌گونه مناطق، زندگی روستایی دربرگیرنده همه آن وضعیت‌هایی است که در شهر و اجتماع شهرهای امروزی دیگر دیده نمی‌شود؛ و دلیل دیگر کوشش‌های تجربی متعددی است که در بسیاری از کشورهای غربی برای به‌کارگیری توسعه پایدار به‌صورت نقطه آغاز سیاست‌های روستایی وجود دارد.

با فرض شکنندگی زیست‌بوم‌های مناطق روستایی و آسیب‌پذیری و تخریب آنها بر اثر صورت‌هایی از گردشگری، اکنون براساس راهبرد برنامه‌ریزی و درگیری و بهبود اجتماعات محلی، بسیاری از یک رویکرد پایداری در مناطق روستایی حمایت می‌کنند تا به یکپارچه‌سازی گردشگری در درون محیط وسیع روستا پردازند. بنابراین، گردشگری روستایی پایدار برای حفظ یا ارتقای زندگی در اجتماعات روستایی فرصتی بی‌نظیر فراهم می‌سازد.

چند نتیجه‌گیری روشن‌تر از مدل برنامه‌ریزی تعاملی با رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی بر اهمیت و ضرورت برنامه‌ریزی گردشگری تأکید دارد که در مورد این مطالعه در روستای وکیل‌آباد شهرستان اردبیل نیز قابل مشاهده بوده است. این نتایج عبارت‌اند از:

- به احتمال بسیار زیاد، آن دسته از مقصدهای گردشگری که به دقت برنامه ریزی و اداره می شود، در درازمدت موفق تر از مناطق برنامه ریزی نشده خواهد بود. باید برنامه ریزی بر روش های علمی با کاربرد فرآیند برنامه ریزی زنجیره ای مبتنی باشد؛
- برنامه ریزی گردشگری می تواند هم برای مقصدهای گردشگری توسعه یافته و هم کمتر توسعه یافته اثربخش باشد؛
- در سال های اخیر، گردشگری روستایی در ایران به طور گسترده در حال افزایش بوده و برنامه ریزی تعاملی با رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی برای این نوع گردشگری مناسب ترین برنامه ریزی محسوب می شود که با توجه به موقعیت و خصوصیات هر روستا صورت می گیرد و برای اقتصاد جامعه و محیط زیست روستاها نیز روشی مناسب به شمار می رود؛
- باید سایر زیربنای گردشگری از جمله تأمین آب و نیروی برق، دفع زباله و فاضلاب، و مخابرات به درستی توسعه یابند؛
- اکنون مشارکت اجتماعی در گردشگری ضروری شناخته شده است. برای تحقق مشارکت محلی در جهانگردی و نیز تأمین منافع مستقیم اجتماعات از رهگذر گردشگری، مجموعه ای از روش های موفق ابداع شده اند؛
- ادغام گردشگری در اقتصاد ملی، منطقه ای و محلی به ویژه با مشارکت خود روستاییان مورد تأکید است؛
- برنامه ریزی توسعه ای کوتاه و میان مدت، که به دقت مشخص و هماهنگ شده و شامل انجام اقدامات و توسعه پروژه ها باشد، از راه های بنیادین برای اجرای طرح هاست؛
- برای نمایش چگونگی کار نمونه های جدید رویکردهای گردشگری و توسعه، پروژه های نمایشی یا آزمایشی راهکاری بسیار خوب به شمار می روند؛
- وجود ساختارهای سازمانی برای گردشگری، با تأکید بر هماهنگی میان مؤسسات دولتی و یا بخش های عمومی و خصوصی، ضروری می نماید؛

- برای اجرای سیاست‌های توسعه گردشگری روستایی، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری محلی روشی بسیار سودمند است؛
 - ارائه آموزش، آگاهی‌ها و مهارت لازم برای گردشگری روستایی موفق حیاتی است و باید به‌دقت برنامه‌ریزی شود؛ و
 - مراقبت و مدیریت دائمی محلی در گردشگری روستایی ضروری است، و باید نظارت و مراقبت در مراحل اولیه فرآیند توسعه پیش‌بینی شود و در اجرای طرح و پیشرفت دائمی گردشگری به‌کار رود.
- رویکرد اصلی این برنامه‌ریزی مبتنی بر ایجاد تحرک و پویایی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به‌ویژه سرمایه‌گذاری خود روستاییان است؛ به‌گونه‌ای که در بسیاری از موارد، حتی خود روستاییان بتوانند جایگزین بخش دولتی شوند. بنابراین، باید برای این بخش انگیزه لازم فراهم شود.

یادداشت‌ها

- | | |
|---|-----------------------------------|
| 1. UNWTO | 20. return to the local |
| 2. Rendle | 21. incremental planning |
| 3. Busby | 22. advocacy planning |
| 4. Ceballos Lascurain | 23. transactive planning |
| 5. Jungk Krippendorf | 24. integrated planning |
| 6. A.Sessa | 25. strategic planning |
| 7. Nettekoven | 26. collaborative planning |
| 8. Bugnicourt | 27. Burns |
| 9. Lickorish | 28. Costa |
| 10. Jenkins | 29. four Ss (sea, sand, sun, sex) |
| 11. Evans | 30. Haywood |
| 12. Wahab | 31. Gunn |
| 13. Pigram | 32. Fletcher |
| 14. Timothy | 33. Cooper |
| 15. Wall | 34. Montserrat |
| 16. Murphy | 35. Tosun |
| 17. Getz | 36. Hall |
| 18. rational comprehensive planning (RCP) | 37. Baidal |
| 19. participation era | 38. Ghai |
| | 39. participatory spiral |

- | | |
|---|-------------------------------------|
| 40. participatory in benefit-sharing (PBS) | 46. self-management movement (SM) |
| 41. taking advantage of development opportunities | 47. decentralizing management power |
| 42. impactees | 48. sustainability |
| 43. beneficiaries | 49. Tosm |
| 44. clients | 50. J. Jafari |
| 45. owners | 51. Burr |

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۵)، *ارزیابی مشارکتی روستایی* (جزوه درسی روش تحقیق نظری). تهران: دانشگاه تهران، گروه مطالعات توسعه.
- ایکاف، راسل (۱۳۸۴)، *برنامه‌ریزی تعاملی*. ترجمه سهراب خلیلی شورینی. تهران: نشر مرکز.
- بخشی‌زاده، حسن (۱۳۸۷)، *بررسی امکان برنامه‌ریزی گردشگری روستایی در روستاهای شهرستان اردبیل (مورد مطالعه: روستای وکیل آباد «سردابه»)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- پاپلی یزدی، محمد حسین و سقایی، مهدی (۱۳۸۵)، *گردشگری (ماهیت و مفاهیم)*. تهران: سمت.
- حیدری چپانه، رحیم (۱۳۸۳)، *ارزیابی برنامه‌ریزی صنعت توریسم در ایران*. پایان‌نامه دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. تبریز: دانشگاه تبریز، دانشکده علوم انسانی و علوم اجتماعی.
- خبرگزاری میراث فرهنگی (۱۳۸۵)، «آمار گردشگران در پایان سال ۲۰۰۵». قابل دسترسی در: <http://www.chn.ir/news/?section=1&id=2028>
- دیاس، هیران دی. و ویکرامانایاک، بی. دبلیو. ای. (۱۳۷۷)، *درنامه برنامه‌ریزی توسعه روستایی*. تهران: وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- رضوانی، محمدرضا و صفایی، جواد (۱۳۸۴)، «گردشگری خانه‌های دوم و اثرات آن بر نواحی روستایی: فرصت یا تهدید (مورد: نواحی روستایی شمال تهران)». *پژوهش‌های جغرافیایی*. شماره ۵۴.
- رهنمود، فرج‌الله (۱۳۸۵)، *دیدمان مشارکت*. تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- سازمان جهانی گردشگری (۱۳۷۹)، *برنامه‌ریزی توریسم در سطح ملی و منطقه‌ای*. ترجمه محمود عبدالله‌زاده. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- طالب، مهدی (۱۳۷۶)، *مدیریت روستایی در ایران*. تهران: دانشگاه تهران.

- فنل، دیوید ای. (۱۳۸۵)، *مقدمه‌ای بر طبیعت‌گردی*. ترجمه جعفر اولادی قادیکلایی. ساری: دانشگاه مازندران.
- لانکوار، روبر (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی جهانگردی و مسافرت*. ترجمه صلاح‌الدین محلاتی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- منشی‌زاده، رحمت‌الله (۱۳۸۴)، *اندر مقوله گردشگری*. تهران: پیام مؤلف.
- Fleischer, Aliza and Tchetchik, Anat (2005), "Does rural tourism benefit from agriculture?". *Tourism Management*. Vol. 26, No. 4: 493-501.
- Heneghan, Maria (2002), *Structures and Processes in Rural Tourism*. Athenry: Rural Development Centre.
- Lane, Bernard (1994), "Sustainable rural tourism strategies: a tool for development and conservation". *Journal of Sustainable Tourism*. Vol 2, Nos. 1 & 2.: 12-18.
- Neidig, Adam H. (2006), *Rural Leaders' Perception of Tourism Development in San Juan County, Utah: A Case Study*. Unpublished M.S.Thesis in Recreation Resources Management. Logan: Utah State University.
- Sonnino, Roberta (2003), *For a "Piece of Bread"? Interpreting Sustainable Development Through Agritourism in Southern Tuscany, Italy*. Unpublished Ph.D. Dissertation. Kansas: University of Kansas, Department of Anthropology.
- Wang, Yang (2006), *Rural Community Participation in Tourism Development: Cases from Hainan Province, China*. Unpublished Ph.D. Dissertation. Waterloo (Ontario): University of Waterloo.
- Yu, Hsiang-Te (2004), *Rural Tourism in Taiwan: Motivation, Expectations, and Satisfaction*. Unpublished Ph.D. Dissertation. San Antonio (Texas): University of the Incarnate Word.